

الگوپذیری از شبکه‌های اجتماعی در جوامع شهری با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه‌ی موردی: جوانان شهر اراک)

دکتر رضاعلی محسنی^۱، حمید بورقانی‌فراهانی^۲، دکتر حسین ابوالحسن تنهایی^۳،
دکتر طهمورث شیری^۴

چکیده

فضای مجازی فضایی است که تأثیرات آن بر زندگی همواره مورد توجه و سؤال بوده است و امروزه به دلیل گستردگی بیش از حد آن حساسیت‌های فراوانی را ایجاد کرده است از این رو در این پژوهش در تلاش بودیم تا با روش پیمایشی به بررسی الگوپذیری از شبکه‌های اجتماعی در جوامع شهری با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین جوانان شهر اراک بپردازیم. بر این اساس با توجه به جامعه‌ی آماری حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و در نظر گرفتن اعتبار و ضریب متناسب آلفای کرونباخ، تعداد ۳۸۴ پرسشنامه بین جوانان شهر اراک توزیع نموده تا به بررسی این فرضیه که "آیا رابطه‌ی معناداری بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی در جوامع شهری با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی مجازی با الگوپذیری جوانان وجود دارد؟ بپردازد. که نتایج پژوهش نشان داد استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر متغیرهای (اوقات فراغت،

^۱ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
mohseni.net14@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
h_boorghani@yahoo.com

^۳ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
Hatanhai121@gmail.com

^۴ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
shiri.tahmures@gmail.com

سبک زندگی، ارتباطات عاطفی خانوادگی، هویت اجتماعی، سلامت اجتماعی) تأثیرگذار بوده و رابطه‌ی معناداری بین آنها وجود دارد.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی مجازی، الگوپذیری، سبک زندگی، هویت اجتماعی.

مقدمه

رشد و گسترش رسانه‌های نوین ارتباطی در دهه‌های اخیر و افزایش پرشتابی که در شمار افراد دارای دسترسی به اینترنت و سایر شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب به وقوع پیوسته (وانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۵)، برخی از پژوهشگران را به این نتیجه رسانده است که نسل امروز را به عنوان نسل فناوری‌های پیشرفته نامگذاری کند. استفاده‌ی جهانی از اینترنت و برنامه‌های کاربردی آن تمامی جنبه‌های زندگی انسان را از کسب و کار و آموزش گرفته تا فعالیت‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است (ایسیک^۲، ۲۰۱۳). برای نمونه، شبکه‌های اجتماعی به کاربران اجازه داده تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی یا تفریحی درگیر شوند و اطلاعات مورد نیاز یا دلخواه خود را به دست آورند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵). اگرچه امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان به اینترنت دسترسی دارند و از آن استفاده می‌کنند اما جوانان و نوجوانان، بیشترین استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند (لیم^۳ و چو^۴، ۲۰۱۰). از این بین تا سال ۲۰۱۰ جمعیتی بالغ بر ۵۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان بخش قابل توجهی از زندگی روزمره‌ی خود را در شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مظاهر پدیده‌ی اینترنت سپری می‌کردند (گلبهار^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین طبق آمارهای رسمی موجود تا سال ۲۰۱۳ تعداد ۳۶۳ میلیون نفر از استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اجتماعی مجازی را نوجوانان تشکیل می‌دهند (ام، ای، اس^۶، ۲۰۱۳). در ایران نیز، شبکه

1 Wang et al.

2 Isik

3 Lim

4 Chou

5 Gulbahar

6 Measuring the Information Society (MIS)

اجتماعی تلگرام به عنوان یکی از پرطرفدارترین شبکه‌های اجتماعی در میان مردم، در حال حاضر دارای ۲۲ میلیون نفر عضو است که ۱۵ میلیون نفر از آنان کاربر فعال به شمار می‌روند (فیروزآبادی، ۱۳۹۴) که این نسبت در جامعه‌ی شهری متفاوت است مثلاً در استان مرکزی طبق گزارش مرکز آمار در سال ۱۳۹۰، تعداد ۶۸۴۹۵ نفر از جوانان ۲۹-۲۰ ساله کاربران اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند که نشان از این مسأله است که جوانان یکی از مهمترین اقشاری هستند که به دلیل خصوصیات مربوط به دوره‌ی جوانی بیشترین تأثیر را از رسانه‌های نوین دیجیتالی پذیرا بوده‌اند. روابط اجتماعی می‌توانند به صورت نظام‌مند و روشن به صورت شبکه‌ها تجلی یابند. شبکه را می‌توان در یک نگاره‌ی منفرد به عنوان توده‌ای از کنش‌های متقابل بین بسیاری از مردم که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف روی دهند، توصیف کرد. شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از جدیدترین فناوری‌های ارتباطی، ارائه‌دهنده‌ی فضای جهانی در حوزه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند که به کاربران برای حفظ روابط اجتماعی موجود، پیدا کردن دوستان جدید، تغییر و تکامل سایت و شریک و سهیم شدن در تجربه‌ها کمک می‌کنند و زمینه‌ی عضویت، فعالیت و مشارکت هدفمند کاربران را فراهم می‌آورند (ماساری^۱، ۲۰۱۰: ۱).

در سال‌های اخیر این شبکه‌ها به واسطه‌ی قابلیت‌ها، پتانسیل‌های نوآورانه و منحصر به فرد، مورد قبول اصحاب ارتباطات و جوانان نوگرا قرار گرفته است. ورود به فضای مجازی شبکه‌ای، زندگی دومی است که آغاز شده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، چنان‌که گمانه‌زنی‌ها و آمارهای پراکنده‌ی داخلی و خارجی حاکی از آن است که با وجود ممنوعیت، تعداد قابل توجهی از کاربران ایرانی، عضو شبکه‌های فیلترشده هستند. جذابیت شبکه‌های اجتماعی مجازی از یک سو و سهولت فعالیت در این‌گونه جوامع از سوی دیگر سبب می‌شود تا رابطه میان عضویت و حضور در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تغییرات مربوط به سبک زندگی جوانان عضو، به عنوان یک پرسش جدی

برای پژوهشگران عرصه‌ی فرهنگ و ارتباطات مطرح شود. از طرفی مفهوم سبک زندگی که امروزه به یکی از مفاهیم بنیادین در تحلیل‌های اجتماعی تبدیل شده (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶؛ ربانی و شیر، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۱۱)، یکی از حوزه‌های جدید و مهم مطالعاتی محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر توجه عده‌ی قابل ملاحظه‌ای از محققان اجتماعی را به خود جلب کرده است (شکوری، ۱۳۸۵). ارتباطات مجازی می‌تواند زمینه‌ی شکل‌گیری عادت‌واره‌های جدیدی را فراهم کنند که خود به کنش و انتخاب‌های متفاوتی منتهی می‌شود. ظهور عادت‌واره‌های جدید، عادت‌واره‌های قبلی را به چالش می‌کشاند و در نتیجه در آنها جابه‌جایی‌هایی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب اگرچه اساس فرایند بازآفرینی باقی می‌ماند، با این حال شیوه‌های متنوعی، مبنای تعریف میدان و امکان عمل فرد را فراهم می‌سازد (بشیر و افراسیابی، ۱۳۹۱: ۳۵).

با اینکه تکنولوژی جدید در کنار شبکه‌های اجتماعی مجازی هم می‌تواند کارکردهای مثبت و هم کارکردهای منفی داشته باشد، ضمن اینکه کاربردهای مثبت آن بسیار فراوان و با اهمیت است، در عین حال کاربردهای منفی آن نیز فراوان و در ابعاد بسیار مهمی مطرح است از آنجایی که جوانی مرحله‌ی بسیار مهم در زندگی افراد است و نمی‌توان از نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر رفتار، روابط، تفکرات، احساسات و ... چشم‌پوشی نمود و در نتایج تحقیقات مختلف شاهد آن هستیم و از طرفی امروزه شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از قدرتمندترین نوع ارتباطات جهانی که حاوی انواع گوناگون برنامه‌ها و محصولات فرهنگی است و نقش مهمی در ارتباطات فرهنگی فرامرزی نیز ایفا می‌کند. بنابر این از یک سو با توجه به اهمیت موارد فوق و از سوی دیگر با توجه به اینکه تاکنون مطالعاتی پیرامون این موضوع (الگوپذیری جوانان از شبکه‌های اجتماعی مجازی) انجام نشده است، نشان از بدیع بودن و قابلیت اهمیت بودن این تحقیق دارد. در سال‌های اخیر جامعه‌ی ایران با متصل شدن به شبکه‌های اجتماعی مجازی، مرزهای خود را به روی جوامع و فرهنگی دیگر گشوده است و جزء یکی از پرمصرف‌کننده‌ترین کشورهایی است که از برنامه‌ها و خدمات فضای مجازی استفاده

می‌کند. از علل روی آوردن کاربران ایرانی بویژه جوانان را به فضای مجازی می‌توان اینگونه برشمرد: موانع و محدودیت‌های موجود در شرایط عینی و ذهنی زندگی خود، فرار از فشارهای الزام‌آور هنجارهای اجتماعی موجود، گسترش تعاملات اجتماعی با کسانی که امکان برقراری کنش متقابل با آنان در دنیای واقعی بسیار نادر یا پرهزینه (چه از لحاظ اجتماعی، سیاسی و یا حتی اقتصادی) است، جبران فقدان جامعه‌ی مدنی گسترده و حوزه‌ی عمومی مستقل از دولت، کم‌رنگ بودن گستره‌ی مشارکت اجتماعی برای آنان در دنیای واقعی، دستیابی و تأمین نیازهای مغفول مانده در دنیای واقعی، کسب تجربه‌های جدید و فرصت‌های بیشتر. در واقع وسعت شبکه‌های مجازی اجتماعی موجب تغییراتی در ابعاد مختلف رفتار جوان ایرانی به طور عام و جوانان شهر اراک به طور خاص و متزلزل شدن جدی فراروایت‌های موجود در اذهان آنان شده و در برخی موارد نیز با زیست و تعامل در این فضا به دنیای واقعی و روزمره‌ی جوانان، سبک زندگی آنان نیز به طور ملموس و در سطحی انضمامی نیز تغییر می‌کند. بنابر این با توجه به مباحث فوق سؤال اصلی تحقیق این است که الگوپذیری جوانان از شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه شهری اراک چگونه است و از دیدگاه جامعه‌شناختی چگونه تبیین می‌شود؟

جامعه‌ی شهری و فضای مجازی

محیط شهری علاوه بر اسکان جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، شکل دهنده‌ی روابط اجتماعی و فرهنگی بشر نیز هست. فضاهای شهری عرصه‌ی ظهور وجه اجتماعی زندگی انسان در جامعه است. فضاهایی که مردم برای فعالیت‌های فردی و جمعی به آنجا می‌روند (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۹۰) اما امروزه فضاهای مجازی نیز به گونه‌ای همراه با فضاهای شهری، محل کنش متقابل افراد و حرکت‌های جمعی آنان شده است. گسترش روزافزون استفاده از شبکه‌های اجتماعی از جنبه‌های گوناگون قابل مطالعه و بررسی است. بنا بر نظر لوفبور سه مؤلفه‌ی فضای طبیعی، ذهنی و اجتماعی برای شکل‌دهی به فضای زیستی - ارتباطی مناسب و ضروری است (افروخ، ۱۳۷۷؛ پرهیزکار،

۱۳۸۹). فضای مجازی به عنوان فضای ارتباطی (هاتف، ۱۳۸۸) از این امر مستثنا نیست. فضای مجازی به دلیل توانمندی و امکانات بالقوه در کشورهای توسعه‌یافته نقشی را به دست آورد که آن را به فضای شهری تبدیل کرد. نگاه به این فضا با رویکرد جامعه‌شناسی شهری علاوه بر ارائه‌ی شناختی از آن و مختصات ویژه‌اش، می‌تواند نسبت آن فضا را با فضاهای شهری نشان دهد. این نسبت از دو منظر قابل مطالعه است: الف. فضاهای پیشین یعنی فضاهای شهری که فرد پیش از ورود به فضای مجازی از آن استفاده می‌کرده ب: فضای پسین یعنی فضای شهری که پس از ورود به فضای مجازی استفاده یا تولید آن به وجود آمده است (صبوری - خسروشاهی و دیگری، ۱۳۹۲).

پیشینه‌ی تحقیقات

لنهارت^۱ و مدن^۲ (۲۰۰۷) در تحقیق پیرامون علل گرایش کاربران به شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایالات متحده، نتیجه گرفتند که ۵۵ درصد نوجوانان پروفایل‌های شبکه‌ای دارند و صفحات جوانان در این شبکه‌ها شامل خودگشودگی قابل مشاهده، ساده و صمیمانه و تعامل‌هایی است که رفتار آنان را به تصویر می‌کشد. یافته‌های آنان تأیید می‌کند که ۹۱ درصد کاربران سایت‌های شبکه‌ی اجتماعی، از این سایت‌ها برای حفظ روابط با دوستان کنونی استفاده می‌کنند که با آنها رفت و آمد مکرر دارند و ۸۲ درصد به دنبال حفظ روابط با کسانی هستند که با آنها رفت و آمد ندارند، ضمن اینکه ۷۲ درصد آنان از این سایت‌ها برای ایجاد و پی‌گیری طرح‌های اجتماعی بهره می‌گیرند. جوینسون^۳ (۲۰۰۸) نیز در مطالعه‌ای به دنبال این هدف که چه چیزی در سایت‌های مورد نظر وجود دارد که شخص را تحریک به ماندن در فضای شبکه می‌کند، اقدام به مصاحبه با کاربران شبکه‌ها نموده و خصوصیات شخصی، باورها، ارزیابی رفتار، نیازها و عوامل انگیزشی افراد را شناسایی کرده است. این مطالعه تعیین نمود که «حفظ تماس» دلیل اصلی

1 Lenhart.

2 Madden.

3 Joinson

استفاده‌ی افراد از فیس بوک است. پرز^۱ (۲۰۱۴) تحقیقی با عنوان "جامعه‌پذیری، استفاده و تأثیر شبکه‌های اجتماعی در جوانان" در سه مدرسه از آراگون (اسپانیا) انجام داده‌است، نتایج نشان داد که کلیشه‌های منتقل شده در شبکه‌های اجتماعی بر جوانان می‌توانند مستمر و همیشگی باشند و از نظر جوانان در این تحقیق شبکه‌ی اجتماعی تویتر به دلیل مزایایی که دارد بیشتر مورد استقبال آنان قرار می‌گیرد.

شبیر و همکاران^۲ (۲۰۱۴) تحقیقی با عنوان "تأثیر رسانه‌های اجتماعی در جوانان: مطالعه‌ی موردی: شهر بهاولپور" انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد پاسخ‌دهندگان، فیس‌بوک را به عنوان فرم و شکل رسانه‌ی اجتماعی مورد علاقه قبول داشتند و پس از آن اسکایپ را به عنوان شکل دوم محبوب شبکه‌های اجتماعی دوست داشتند. پاسخ‌دهندگان در وهله‌ی اول بیان داشتند مشکل اصلی در طول استفاده از رسانه‌های اجتماعی صورت پیام اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر منفی بر مطالعه‌ی جوانان گذاشته‌اند.

کوثری (۱۳۸۶) با تحقیقی اکتشافی پیرامون "جهان فرهنگی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی" اورکات علائق فرهنگی کاربران را بررسی کرده است. بر اساس نتایج این تحقیق، حوزه‌های موسیقی، فیلم، ادبیات غیربومی و نیز اجتماعات هنری- ادبی، سرگرمی- تفریحی و جنسی مورد توجه اعضا بوده و دوست‌یابی و یافتن شریک زندگی، مهم‌ترین علت پیوستن کاربران ایرانی به این شبکه است. از این رو محقق بر اتخاذ یک سیاست هویتی مناسب و همه‌شمول در کشور تأکید می‌کند. ودودی و دلاور (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در تغییر ویژگی‌های شخصیتی جوانان" انجام داده‌اند. کلیه‌ی فرضیه‌های این تحقیق به غیر از فرضیه‌ی گشودگی تأیید شده و وجود رابطه بین متغیر تحقیق (روان‌نژندگرایی، برون‌گرایی، توافق‌گرایی و وجدان‌گرایی) و متغیر مستقل تحقیق (شبکه‌های اجتماعی مجازی) نیز به اثبات رسیده است. ولی در فرضیه‌ی گشودگی، معنادار بودن رابطه‌ی متغیرها تأیید نشده و ثابت شد

1 Perez.

2 Shabir et al.

که هر دو گروه از گشودگی یکسانی برخوردار هستند. اعلامی و بشیری (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر همبستگی اجتماعی" انجام داده‌اند. نتایج نشان داد هیچ تفاوت معناداری بین همبستگی اجتماعی دو گروه استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اجتماعی مشاهده نشد. در فرضیه‌ی تعاملات با شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی تفاوت معناداری وجود نداشت. در فرضیه‌ی تعاملات دانشجویان داخل و خارج کشور نیز تفاوت معناداری مشاهده نشد.

دستجردی و صیادی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه‌ی بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر اعتماد به اینترنت و افسردگی در دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور شهر اصفهان» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد استفاده از اینترنت به دلیل جذابیت کاذبی که برای کاربران ایجاد می‌کند، به آرامی آنها را به خود وابسته می‌کند و می‌تواند نیازهای روانی و هیجانی آنها را تأمین کند.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان «بررسی ویژگی‌های ارتباطی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آنها بر روابط اجتماعی کاربران» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که میزان سابقه‌ی کاربری در شبکه‌ها، بیشترین تأثیر را بر ارتباطات غیرعینی (مجازی) داشته است. پس از آن به ترتیب سابقه‌ی کاربری در شبکه‌ها بر مهارت اجتماعی، گمنامی در شبکه‌ها بر غلبه بر تنهایی و میزان استفاده از شبکه‌ها بر انزوای اجتماعی بیشترین تأثیر را داشته‌اند. شهابی و بیات (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «اهداف و انگیزه‌های عضویت کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی» انجام داده‌اند. این مطالعه مبتنی بر چارچوب نظری استفاده و رضامندی و با انجام مصاحبه‌های عمقی بدون ساختار، انگیزه‌ها و اهداف عضویت جوانان در این شبکه‌ها را با وجود ممنوعیت قانونی دسترسی به برخی از آنها شناسایی کرده است. یافته‌ها حاکی از آن است که اکثر کاربران به منظور تسهیل روابط فعلی، احیای ارتباطات قدیمی، ایجاد و حفظ ارتباطات دوستانه به آن روی آورده‌اند و فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی را سیاسی نمی‌دانند. شکاری نمین و حاجیان (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی جوانان» انجام

داده‌اند. تحقیقات نشان‌دهنده‌ی آن است که عضویت در شبکه‌های مجازی نه به لحاظ مدت آن و نه شدت فعالیت در آن، زمینه‌ساز شکل‌گیری سبک ویژه‌ای از زندگی نبوده است و بدین ترتیب فرضیات این تحقیق رد شده و عدم رابطه‌ی مستقیم میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی متمایز اثبات می‌شود.

حمیدپور و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر الگوپذیری رفتار اجتماعی دختران» انجام داده‌اند. نتایج حاصل نشان داده است که از بین ویژگی‌های فردی والدین مثل سن، تحصیلات و شغل، تنها متغیر تحصیلات با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه‌ی معناداری را نشان داده است. در بین طبقات اجتماعی نیز، تنها در طبقه‌ی پایین جامعه با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه‌ی معناداری مشاهده شده است. رابطه‌ی نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران با گروه دوستان و همسالان، رابطه‌ای معنادار نشان داده و همچنین رابطه‌ی معناداری بین متغیر وابسته‌ی تحقیق با نوع فعالیت‌های پرورشی و آموزشی مدارس مشاهده شده است. فرضیه‌ی دیگر تحقیق ارتباط گروه‌های مرجع را با متغیر وابسته‌ی تحقیق با نوع فعالیت‌های پرورشی و آموزشی مدارس نشان داده است. فرضیه‌ی دیگر تحقیق ارتباط گروه‌های مرجع را با متغیر وابسته‌ی تحقیق بررسی کرده است که این رابطه نیز معنادار نشان نداده است. فرضیه‌ی دیگری که تأیید نشده است، رابطه بین رسانه‌ها و نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران بوده است. فرضیه‌ی ارتباط بین مذهبی بودن خانواده با نوع الگوهای رفتاری دانش‌آموزان، رابطه‌ای معنادار حاصل شده است و بالاخره در آخرین فرضیه که گرایش به مد و یکپارچگی با دیگران را با الگوهای رفتاری دختران مرتبط دانسته است، رابطه‌ای معنادار نشان داده است. برات دستجردی و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌ی اجتماعی فیس بوک و سلامت اجتماعی دانشجویان" انجام داده‌اند. نتایج به دست آمده نشان داد که بین استفاده از شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک و سلامت اجتماعی دانشجویان رابطه‌ی معنادار معکوسی وجود دارد. همچنین از بین زیر مقیاس‌های سلامت اجتماعی، زیر مقیاس‌های

انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انطباق اجتماعی و شکوفایی اجتماعی رابطه‌ی منفی معناداری با استفاده از شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک داشتند و تنها زیرمقیاس مشارکت اجتماعی، رابطه‌ی مثبت معناداری با استفاده از شبکه‌ی فیس‌بوک داشته است.

مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده نشان می‌دهد که مطالعات خارجی بیشتر پیرامون انگیزه‌ها و عوامل اثرگذار بر استفاده از فضای مجازی در بین جوانان بوده و پیرامون تأثیرات آن به صورت محدود با عناوینی همچون تأثیر بر خانواده و مذهب بوده و در تحقیقات داخلی نیز علاوه بر بررسی انگیزه‌های افراد در گرایش به فضاهای مجازی، اگرچه به تأثیرات شبکه‌های اجتماعی هم پرداخته شده اما این مطالعات بیشتر به صورت تک‌متغیری و محدود مثل تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روابط افراد یا بر سبک زندگی بوده است و همچنین برخی از شبکه‌ها را مورد بررسی قرار داده (فیس بوک یا تلگرام) است. بنابر این تحقیق پس از مطالعه‌ی منابع فوق و با در نظر گرفتن کاستی‌های آن‌ها به مطالعه‌ی جامعه‌شناختی و بررسی عمیق‌تر شبکه‌های اجتماعی و الگوپذیری جوانان به صورت گسترده‌تری پرداخته است.

چارچوب نظری

بعد از مطالعه‌ی مبانی نظری و دیدگاه‌های گوناگون چارچوب نظری این پژوهش ترکیب و تلفیقی از نظریات هابرماس، کاستلز، بوردیو، گیدنز، زیمل، بلومر، وپانتام است. فضای مجازی همان حوزه‌ی عمومی هابرماس است که به تحلیل کنش ارتباطی و اخلاق گفتگو می‌پردازد؛ حوزه‌ای که شهروندان می‌توانند در آن به تبادل نظر درباره‌ی موضوعات و مسائل مهم اخبار عمومی بپردازند و مهم‌ترین موضوع در حوزه‌ی عمومی ابزارهای ارتباطی است که در واقع به دو بخش اطلاعات و رسانه‌ها تقسیم می‌شود. ابزارهای ارتباطی همان شبکه‌های اجتماعی است که اطلاعات در آن به اشتراک گذاشته می‌شود و همان‌گونه که هابرماس هم می‌گوید: این فضاها تحولات بنیادی را در قلمرو حیات بشری ایجاد کرده‌اند. زیرا در این فضای ارتباطی است که به گمان وی به شبکه‌ای از داده‌ها و دیدگاه‌ها، نگرش و ارزش‌هایی می‌ماند که مردم هنگام ساختن

کنش به آن رجوع کرده و با یکدیگر ارتباط نمادین برقرار می‌کنند. در واقع در این فضا است که فهم‌پذیری عامه از معانی موجود در شبکه‌های ارتباطی در کنش نمادی کنش‌گران بازرگاری و بازساخته می‌شوند فضای مجازی مانند فضای عامه حوزه‌ی عمومی به حضور فیزیکی و جغرافیایی افراد وابسته نیست و با حضور شرکت کنندگان نمادی به وجود می‌آید.

در جامعه شبکه‌ای همان‌گونه که کاستلز هم به مانند هابرماس می‌گوید: زمان و مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته و اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها و واسطه‌های الکترونیکی شکل می‌گیرد که حاوی اطلاعات متکثر و متنوع است و با مخاطبان گوناگونی سروکار دارد. بنابراین این فضای اصلی تعامل‌های معرفتی را کم و بیش در اختیار می‌گیرد و هویت‌های تازه‌ای به افراد می‌بخشد و الگوهای جدید زیست و حیات در زمینه‌های گوناگون را به وجود می‌آورد. در این فضا همان‌گونه که رینگولد هم می‌گوید: مردم همه چیز را درست مانند زندگی واقعی انجام می‌دهند و هویت می‌یابند (رینگولد، ۱۹۹۳) زیرا به قول هابرماس در تمام انسان‌های آزاد یک دسته نیازهای اساسی و اصیل وجود دارند که وقتی با دیگران صمیمانه وارد گفتگو می‌شوند کشف خواهد شد. در واقع «شرایط آرمانی مورد نظر هابرماس» در محیط‌های تعاملی اینترنتی، ایمیل، وبلاگ و سایت‌های مختلف، چت روم و... به خوبی تحقق می‌یابد و افراد ضمن ابراز احساسات از یکدیگر نیز تأثیر می‌پذیرند و شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش زیادی در شکل‌گیری خود پست‌مدرن دارد که به دلیل ویژگی‌های خاص امکان گمنامی و حذف نشانه‌های فیزیکی به کاربران اجازه می‌دهد نقش‌های متفاوتی را در زمان‌های مختلف تنظیم و به دلخواه خود بازی کنند و فضایی برای تحقق خیالات، تمایلات عقلانی و یا نیازهای غریزی آنان است. به باور کاستلز در درون این شبکه به استثنای یک گروه از نخبگان، دیگران کنترل خود را بر زندگی خویش و محیط اطراف از دست داده یا در حال از دست دادن هستند. اینجاست که کنشگران با استفاده از هر گونه مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترس، هویت‌های جدید را می‌سازند که موقعیت

آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند. در واقع به واسطه‌ی قدرت شبکه‌بندی که کاستلز می‌گوید: این فضا منتسب به قدرت بازیگران و سازمان‌های درگیر در شبکه‌هایی است که هسته‌ی جامعه‌ی شبکه‌ی جهانی را در فراسوی اجتماعات یا افراد انسانی که درگیر این شبکه‌های جهانی نیستند تشکیل داده‌اند و بر اساس سیاست جذب/ دفع عمل می‌کنند و بر اساس تعینات ساختاری مرتبط با قدرت سیاسی و اجتماعی و مرتبط با فرایند ارتباط جمعی و تحت تأثیر شرایط سازمانی، فرهنگی، فناوری در زمان ما و به واسطه‌ی همین قدرت است که به گفته هابرماس می‌توان ادعا کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی به مثابه‌ی حوزه‌ی عمومی سه کارکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارند؛ به گونه‌ای که به دلیل تأمین و دسترسی همگانی به این فضا باعث شکل دادن به افکار عمومی از طریق تبادل اطلاعات و نظرها در میان شهروندان و نمادهای سیاسی و مدنی می‌شوند. همچنین نقش بسیاری در سازماندهی و هماهنگ سازی فعالیت‌های سیاسی جمعی و مشترک، برای دستیابی به اهداف جمعی و کنترل و عقلانی کردن قدرت سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کند. و از آنجایی که پانتم نیز در نظریه‌ی خود می‌گوید همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیره و انباشتی از سرمایه‌ی اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های مدنی وجود داشته باشد صورت می‌گیرد بنابر این افراد با حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند اطلاعات لازم برای به دست آوردن اعتماد و مشارکت اجتماعی را کسب نمایند، زیرا در این فضا همه‌ی افراد تفاوت‌ها و تمایزات میان خود را نادیده گرفته و همچون افراد برابر گفتگو و مشارکت می‌کنند و کنش ارتباطی افراد شکل می‌گیرد، موقعیتی که به گمان هابرماس بر اساس عناصر کلامی و یا زبانی و غیر زبانی و هم فهمی و موضع‌گیری‌های متقابل کنشگران ساخته می‌شود. مفهومی که پیش از وی مید در شرح فرایند ارتباطات اجتماعی با استفاده از نمادهای مفید و بامعنی و نیز ارتباطات ایمایی از آن سخن گفته و بلومر نیز معتقد است که ساخته شدن کنش بر اساس معانی مشترک در فضای اجتماعی و موقعیت‌های جاری

زندگی در میان کنشگران بر اساس معانی مشترک که افراد به یکدیگر نسبت می دهند، رخ می دهد.

که البته این فهم مشترک که لازمی تحقق کنش ارتباطی افراد است در فضای مجازی و به اعتقاد هابرماس در همان زیست جهان شکل می گیرد؛ مکانی فرا تجربی که گوینده و شنونده در آن با هم روبرو می شوند و عدم توافق هایشان را حل و فصل می کنند و به توافق دست می یابند. البته لازم به ذکر است بر اساس نظریه ی ساخت یابی گیدنز در این فضا (شبکه های اجتماعی) هر چند کنش ها و کردارهای افراد ساخته می شود اما متقابلاً در برخی مواقع کنش و کردار آدمیان بر روی ساختارها تأثیر می گذارد و باعث تغییر، تولید و بازتولید آنها می شود. در واقع بر طبق نظریه ی ساخت یابی گیدنز افراد در ساخت نظام اجتماعی در زمان و مکان با یکدیگر ارتباط پیدا می کنند و چون طی یک فراگرد دیالکتیکی است که طی آن ساختار و آگاهی ساخته می شود. بنابر این می توان این رابطه را نیز به صورت فراگردی پویا و تاریخی در نظر گرفت. به اعتقاد گیدنز با فرایند جهانی شدن و شکل گیری فضاهای مجازی، نوعی تکامل میان هویت و جامعه شکل می گیرد و انسان ها به واسطه ی حضور در فضای مجازی هویتی جمعی مجازی برایشان ایجاد شده که در کنار سایر ابعاد هویت آنها را شکل می دهد و هویت های خلق الساعه برای آنان به وجود آورده که در دوره ی محدودی شکل گرفته و با ظهور الگوهای هویتی جدید در این فضا به سرعت از بین می رود.

کنش متقابل گرایی نمادین نیز بر معانی تأکید دارد که به رخدادها، پدیده ها و به طور کلی امور برای مردم دارند و این معانی از طریق کنش متقابل اجتماعی ایجاد، ساخته و پرداخته می شود. در واقع در گفتگوهای فضای مجازی واژه ها، نمادهایی هستند که برای ارسال کننده ی پیام معنی خاصی دارند و او امیدوار است برای پیام گیر نیز همان معانی را داشته باشد اما آنها اشیای ایستا نیستند و با توجه به نیت و تفسیر به کار می روند. البته شاید بتوان گفت در شبکه های اجتماعی مجازی رفتار جمعی همانگونه که بلومر نیز می گوید: بیشتر به نوعی از فرایند، تشبیه میشوند که آهنین و استوار، هر چه هست را در

زیر سلطه‌ی خویش به تبعیت و می‌دارد و شاخص مهم این نوع اجتماعات هم آن است که مجموعه‌ای خاص را در قالب کلان جامعه از آن جدا نموده و به عنوان یک واقعیت بیرونی و حاکم بر افراد تأثیر می‌گذارند. در واقع ساز و کار تبیین‌کننده‌ی این اجتماعات، بیشتر بر اساس طیف تناوبی کنش‌های نانمادی عمل می‌کنند تا نمادی و در صورت از خودرهایی، واکنش چرخه‌ای یا گردگشتی و یا برخی از صور کنش پیوسته بروز می‌نماید.

پس به اعتقاد بلومر می‌توان گفت که انسان در برابر اطلاعات فرهنگی در فضای مجازی به مانند یک آینه‌ی محض عمل کرده و تنها آنچه بر او می‌تابد را منعکس می‌کند. در چنین حالت‌هایی کنش انسان نیز بیشتر از آنچه بر تفسیر وی استوار باشد، بر عواطف و احساسات تند و حاکم از سوی روح جمعی استوار است. ساز و کار تکوین رفتارهای جمعی با طیف شاخص‌های نانمادی در طول سه مرحله رشد و تکامل یافته و ممکن است در یکدیگر نیز نفوذ یا به یکدیگر تبدیل شوند (تنهایی، ۱۳۹۱: ۶۲۱). هرچه در این فضا ساخت فرهنگی نزد افراد بیشتر رو به فروریزی رفته و افراد تحت تأثیر قانون روح جمعی برانسان، نامسئولانه به هر سویی که روح جمعی آنها را متمایل کند، کشانده می‌شوند (هیجان جمعی بلومر). در این حالت افراد هر چه بیشتر خود را فراموش کرده و در قالب هیجان عمومی مثل دیگران رفتار می‌کنند. و به گونه‌ای دچار واگیری اجتماعی می‌شوند و یا به گفته‌ی اریک فروم فرایند اجتماعی شدن به معنی اجتماعی کردن نیست بلکه فرایندی است که فرد به وسیله‌ی آن می‌تواند با کشف و ایجاد روابط با دیگران به گونه‌های جدید از خلق و ابتکار و یا نژندی و کجروی دست یابد. از سوی دیگر الگوپذیری از شبکه‌های اجتماعی مجازی را می‌توان با نظریه‌ی بوردیو که معتقد است ملکه یا ریختار ساختار درونی برای افراد تنظیم می‌کند دانست زیرا این ساختار به اعتقاد او ساخت‌مند، ثابت و فشارآور و تحمیل‌کننده است. از نظر بوردیو: عادت‌واره نوعی چارچوب درونی است که در صورت‌بندی کنش آدمی سخت مؤثر است. در واقع ما همیشه می‌توانیم بگوییم که افراد به انتخاب‌هایی دست می‌زنند اما اصول این انتخاب‌ها

را انتخاب نمی‌کنند. شاید بتوان گفت شبکه‌های اجتماعی مجازی همان میدان مورد نظر بوردیو است که در آن تعداد زیادی از کنش‌گران اجتماعی با منش‌های تعریف شده و توانایی‌های سرمایه‌داری وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند و سبک زندگی و یا ذائقه‌ی افراد بسیار تحت تأثیر میدان است؛ به گونه‌ای که افراد بسیاری از انتخاب‌های خود، اصول و سبک زندگی خویش را از فضای مجازی می‌آموزند. البته این تأثیر گرفتن از زاویه‌ی دیگر به اعتقاد گئورگ زیمل که: هر نوع تعاملی میان انسان‌ها و همچنین میان ایشان و محیط‌شان توسط دو نیاز هنجاری متناقض هدایت می‌شود: نیاز به یافتن شخصیتی بی‌همتا و نیاز به شناختی اجتماعی دارد. به بیان دیگر تلاش می‌کند ارزش‌های بنیادین خود را در فرهنگ عینی جستجو کند و سبک تجسم همین تلاش است و به گفته‌ی وی همان فرهنگ است. با توجه به اینکه سبک زندگی، عینی‌سازی فرهنگ ذهنی با استفاده از امکانات محیط است در شبکه‌های اجتماعی مجازی که سبک‌های زندگی بسیار است موقعیتی فراهم می‌شود که سرتاسر زیست محیط قابل مشاهده‌ی زندگی فرهنگی ما به علت تکرر سبک‌های فردی از هم پاشیده شود و ما خود را با بی‌سبکی مواجه می‌بینیم (همان عارضه‌ی افراد در ذهنی‌گرایی زیمل) که سرانجام سرگشتگی و احساس غریبگی است که انسان میان ذهنیت خود و اشکال حس می‌کند.

فرضیات پژوهش

فرضیه‌ی اصلی: بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و الگوپذیری جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیات فرعی:

۱. بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گذران اوقات فراغت جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۲. بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سلامت اجتماعی جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۳. بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارتباطات عاطفی خانوادگی جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد..
۴. بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۵. بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت اجتماعی جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد..

روش تحقیق

این پژوهش از حیث هدف از نوع تحقیقات کاربردی است، و با توجه به طول زمان اجرای آن، مقطعی و از نظر زمان حال‌نگر است. این پژوهش از نظر نحوه‌ی گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی است. راهبرد این جستار قیاسی است زیرا نظریه نتیجه‌ی نهایی پژوهش باشد باید در همان آغاز پژوهش تولید شود چه با اقتباس چه با ابداع. وظیفه‌ی پژوهش در این استراتژی این است که نظریه‌ها را به آزمون بکشد، معلوم کند که آیا آنچه نظریه بیان می‌کند با داده‌های موجود انطباق دارد یا نه. بنابر این لازم است یک یا چند فرضیه جمع‌آوری شود. جامعه‌ی آماری پژوهش جوانان دختر و پسر شهر اراک در گروه‌های سنی ۱۸-۲۵ سال است. طبق آمار و داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد جوانان شهر اراک به تفکیک دختر ۹۹۱۴ و پسر ۹۸۲۷ که در مجموع تعداد جوانان دختر و پسر ۱۹۷۴۱ نفر و جامعه از نوع محدود بوده است. برای روش نمونه‌گیری از جدول مورگان استفاده شده است. با توجه به جدول مورگان حجم نمونه ۳۸۴ نفر است. روش نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای است. در ابتدا شهر اراک به پنج منطقه طبقه‌بندی شده است. با توجه به اینکه آمار جمعیتی مناطق در دسترس نبود، بنابر این در هر منطقه ۸۰ پرسشنامه و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس توزیع گردید. در تحقیق حاضر به منظور گردآوری داده‌ها از روش میدانی استفاده می‌شود و ابزار مورد استفاده نیز پرسشنامه است. پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ سنجیده شده است که پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است و این نشان‌دهنده‌ی اعتبار

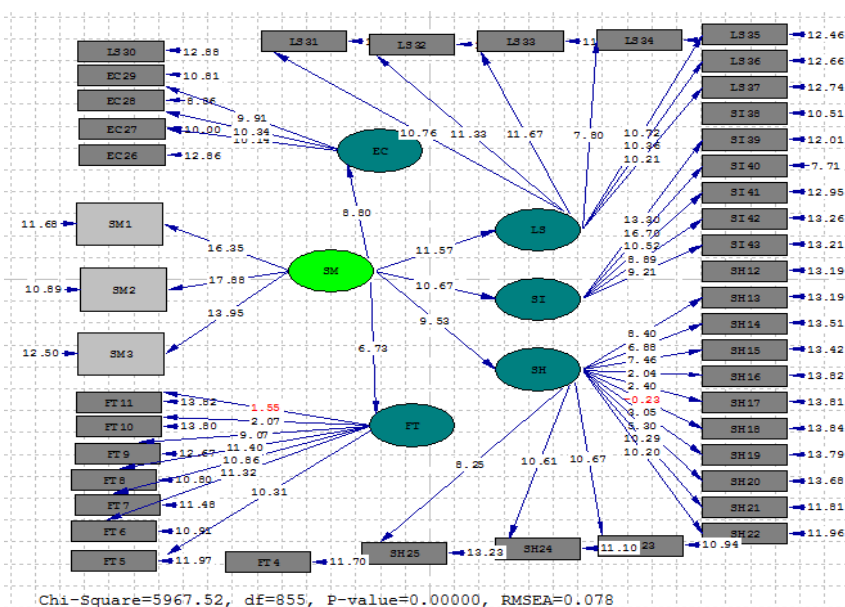
خوب پرسشنامه است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون معادلات ساختاری و نرم افزار لیزرل استفاده شده است. ابتدا برازندگی مدل تحقیق مورد سنجش قرار گرفت:

جدول ۱: برازش متغیرهای مدل

شاخص بررسی شده	میزان استاندارد	نماد لاتین	تخمین در مدل
شاخص برازش هنجار شده	بزرگتر از ۰/۹	(NFI)	۰/۹۱
برازش هنجار نشده	بزرگتر از ۰/۹	(NNFI)	۰/۹۴
شاخص برازش تطبیقی	بزرگتر از ۰/۹	(CFI)	۰/۹۴
شاخص برازش افزایشی	بزرگتر از ۰/۹	(IFI)	۰/۹۴
ریشه میانگین باقی مانده ها	کوچکتر از ۰/۰۵	(RMR)	۰/۰۱۶
نیکویی برازش	بزرگتر از ۰/۸	(GFI)	۰/۷۱
نیکویی برازش تعدیل شده	بزرگتر از ۰/۸	(AGFI)	۰/۷۱

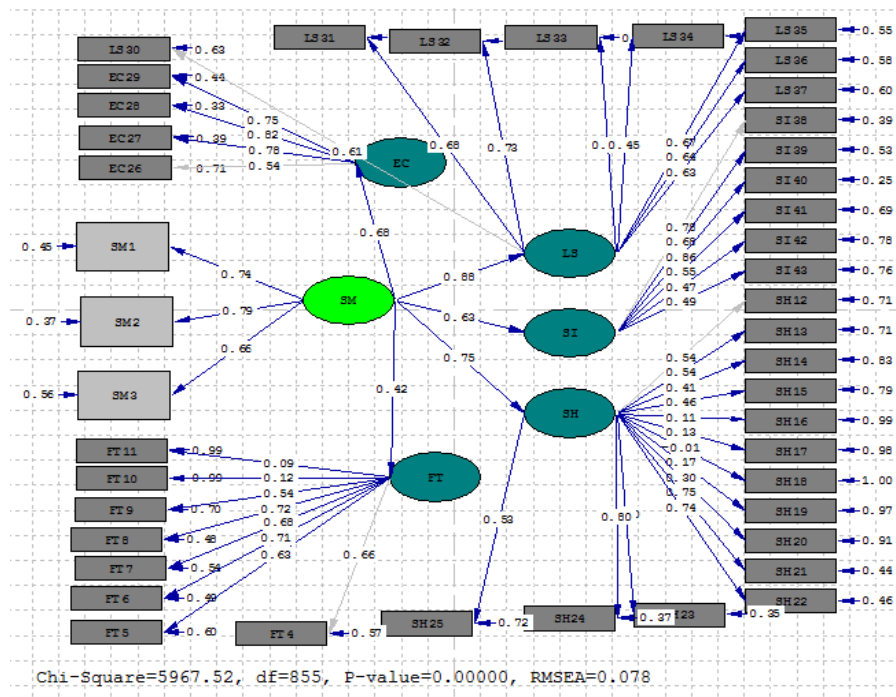
با توجه به نتایج بدست آمده از شاخص های مورد بررسی می توان نتیجه گرفت که داده های جمع آوری شده مناسب بوده و مدل تحقیق از برازش مناسبی برخوردار است.

نمودار ۱: مدل در حالت تخمین ضرایب تی



در این نمودار شبکه‌های اجتماعی مجازی (SM) به عنوان متغیر مکنون برونزا یا متغیر مستقل با متغیرهای ارتباطات عاطفی خانوادگی (EC)، سلامت اجتماعی (SH)، سبک زندگی (LS)، هویت اجتماعی (SI)، اوقات فراغت (FT) که به عنوان متغیرهای مکنون درونزا یا متغیرهای وابسته هستند ماتریس گاما برقرار شده است.

نمودار ۲: مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد



نمودار (۲) ضرایب استاندارد را برای مدل اندازه‌گیری (ضرایب استاندارد برای سوالات و متغیرهای مربوط به آنها) و مدل ساختاری (ضرایب مسیر برای مسیرهای مطرح شده در مدل در بین متغیرها) نشان می‌دهد. مسیر بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته با ضریب مسیر گاما و مسیر بین تمامی متغیرهای وابسته با وابسته با ضریب مسیر بتا معرفی و نامگذاری می‌شود. همانطور که در نمودار (۲) مشخص است بار عاملی

استاندارد شده، تمامی سؤالات از همبستگی بالایی برخوردار بوده و این مسأله نشان می دهد که سؤالات طراحی شده مناسب بوده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج فرضیات تحقیق

فرضیه	ضریب مسیر	ضریب تی	نتیجه
بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و گذران اوقات فراغت جوانان شهر اراک رابطه ی معناداری وجود دارد.	۰/۴۳	۶/۴۴	تایید
بین وابستگی به شبکه های اجتماعی مجازی و سلامت اجتماعی جوانان شهر اراک رابطه ی معناداری وجود دارد.	۰/۶۶	۷/۹۳	تایید
بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و ارتباطات عاطفی خانوادگی جوانان شهر اراک رابطه ی معناداری وجود دارد..	۰/۷۱	۹/۰۱	تایید
بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و سبک زندگی جوانان شهر اراک رابطه ی معناداری وجود دارد.	۰/۹۱	۱۲/۳۴	تایید
بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و هویت اجتماعی جوانان شهر اراک رابطه ی معناداری وجود دارد.	۰/۶۲	۹/۹۳	تایید

نتیجه گیری

فضای مجازی که به گفته ی هابرماس مانند فضای عام حوزه ی عمومی به حضور جغرافیایی و فیزیکی افراد وابسته است و با حضور شرکت کنندگان نمادی به وجود می آید، امروزه اهمیت بسیاری در حفظ و ایجاد تنوع در اوقات فراغت، نحوه ی ارتباطات و سلامت اجتماعی جوانان دارد؛ به گونه ای که نتایج این تحقیق نشان داد ۸۰٪ جوانان در شهر اراک اوقات فراغت خود را به عضویت و فعالیت در شبکه های اجتماعی مجازی می گذرانند نتایج آزمون همبستگی فرضیه ی اول (بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و گذران اوقات فراغت جوانان شهر اراک رابطه ی معناداری وجود دارد) نشان داد که بررسی سطح گذران اوقات فراغت به عنوان مؤلفه ی اثرگذار در ایجاد و برقراری

روابط پایای اجتماعی در دوره‌ی جوانی شناخته شده است و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با سطح گذران اوقات فراغت با سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است و هرچه فرد بیشتر اوقات فراغت خود را در شبکه‌های اجتماعی مجازی صرف می‌نماید، کیفیت و سطح روابطش با همسالان ضعیف‌تر خواهد شد. نتایج این فرضیه با تحقیق بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱) همسو بوده است به گونه‌ای که مقایسه میانگین‌ها نشان داد، افرادی که عضو شبکه‌های اجتماعی بودند، اوقات فراغت مدرن‌تری نسبت به افرادی که عضو این شبکه‌ها نیستند، داشتند. البته لازم به ذکر است که فرضیه‌ی مذکور با یافته‌های لی و بونک (۲۰۱۶)، بونک و خو (۲۰۱۴) و خو و کوویه (۲۰۱۱) همخوانی ندارد که در تبیین آن می‌توان گفت: به نظر می‌رسد دلایل فرهنگی، کاستی در سواد رسانه‌ای در ایران و بویژه عدم راهنمایی صحیح معلمان و تبیین مسأله‌ی به کارگیری شبکه‌های اجتماعی جدید در این زمینه است. در واقع همان‌گونه که در نظریات بدان پرداخته شد گمنامی، سرعت ارتباطات و سیال بودن شبکه‌های اجتماعی، پیامدهای گسترده‌ای را در روابط جنسیتی و الگوهای ارتباطی و دوست‌یابی جوانان بر جای می‌گذارد. تداخل طبقه با جنسیت و جغرافیا می‌تواند فضای آزاد کننده‌ای را برای جوانان پدید آورد و مرزبندی‌های رایج جنسیتی و اجتماعی را در فرهنگ جوانان کم‌رنگ می‌سازد. در اوقات فراغت و سرگرمی نیز محوریت یافتن ارتباط و سرگرمی از متن خارج شدن مکان‌ها و تجارب اوقات فراغت، رواج شکل‌های سرگرمی غیروابسته به زمان و مکان، چند وظیفه‌ای شدن رسانه‌های جدید و لذت بردن جوانان از توانایی انجام همزمان چند وظیفه و امکان‌پذیر ساختن انواع جدیدی از مشارکت‌های عاطفی، زیبایی‌شناختی و فرهنگی از جمله مشخصه‌های فضای مجازی است که امروزه جوانان را به سمت خود کشانده است. در واقع با اشاره به آرای گافمن می‌توان استدلال کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی چارچوب‌های تعاملی جدید را در برقراری ارتباطات بین فردی مهیا ساخته‌اند که به رغم محدودیت‌های ذاتی خود فرصت‌های جدیدی را نیز برای نمایش شخصیت در اختیار کاربران جوان قرار می‌دهند و نتایج این تحقیق نیز مؤید این مطلب است.

شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل ماهیت غیر رودرروی ارتباطات الکترونیکی اینترنتی می‌توانند انگیزه‌ی بیشتری را برای کاربران آن در بازی با هویت، رفتارهای آزمایشی و ارائه تصویر غیرواقعی فراهم سازند که ریسک شرمندگی در آن کمتر است و یا به اعتقاد بوردیو ملکه یا ریختار ساختار درونی برای افراد تنظیم می‌کند که به گمان وی این ساختار، ساخت‌مند، ثابت، فشارآور و تحمیل‌کننده است. از نظر وی ارتباطات مجازی می‌توانند زمینه‌ی شکل‌گیری عادت‌واره‌های جدیدی را فراهم سازند که خود به کنش و انتخاب‌های متفاوتی منتهی می‌گردد و ظهور عادت‌واره‌های جدید، عادت‌واره‌های قبلی را به چالش می‌کشاند و در نتیجه‌ی آن جابه‌جایی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب اگرچه اساس فرایند بازآفرینی باقی می‌ماند با این حال شیوه‌های متنوعی مبنای مبارزه برای تعریف میدان و امکان عمل فرد را فراهم می‌سازد.

آزمون فرضیه‌ی دوم نشان داد که شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معناداری با سلامت اجتماعی جوانان شهر اراک دارد و نتایج این فرضیه با یافته‌های تحقیق دست‌چریدی و همکاران در سال ۱۳۹۵ همسوست و با افزایش میزان استفاده از تلگرام و اینستاگرام جوانان با گروه‌ها و اعضای متعددی در رده‌بندی‌های مختلف آشنا شده و سعی دارند با آنها بر حسب علاقه‌مندی خود ارتباطات گسترده‌تری را برقرار سازند و همین موضوع باعث افزایش میزان مشارکت اجتماعی کاربران می‌شود و افراد در فعالیت‌ها و برنامه‌های گروه‌های متعدد هرچه بیشتر مشارکت می‌کنند. امروزه فضاهای شبکه‌های مجازی تعاملات متفاوتی با شکل سنتی میان افراد برقرار ساخته است که این امر تأثیر غیرقابل انکاری بر روابط اجتماعی افراد به جای گذاشته است بنابر این افراد فارغ از الزاماتی چون جنسیت، طبقه، قوم، نژاد، و مکان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و بر این اساس هویت‌های جدیدی از خود نشان می‌دهند پس در این فضا انسجام، انطباق و پذیرش اجتماعی کاربران کاهش یافته و افراد بعد از مدت زمانی احساس بیگانگی با خود و جامعه‌ای را که در آن عضو هستند احساس می‌کند؛ همچنین در فضای مجازی افراد بیشتر دنباله‌رو اعضای دیگر بوده و سعی دارند به نوعی خود را با الگوها و

معیارهای افراد جامعه‌ی مجازی سازگار کنند. به گفته‌ی بلومر: "انسان در برابر اطلاعات فرهنگی در فضای مجازی به مانند یک آینه‌ی محض است که تنها آنچه را بر او می‌تابد منعکس می‌کند؛ در چنین حالت‌هایی کنش انسان نیز بیشتر از آنچه بر تغییر وی استوار باشد بر عواطف و احساسات تند و حاکم از سوی روح جمعی استوار است چرا که ساز و کار تکوین رفتارهای جمعی با طیف شاخص‌های نامادی در طول سه مرحله‌ی رشد و تکامل یافته و ممکن است در یکدیگر نفوذ یا به یکدیگر تبدیل شوند و هر چه در این فضا ساخت فرهنگی نزد افراد بیشتر رو به فروریزی رود، افراد تحت تأثیر قانون روح جمعی بر انسان، نامسئولانه به هر سویی که روح جمعی آن‌ها را متمایل کند کشانده می‌شوند و در این حالت است که می‌توان گفت افراد هر چه بیشتر خود را فراموش کرده، در قالب هیجان عمومی مثل دیگران رفتار می‌کنند و به گونه‌ای دچار واگیری اجتماعی می‌شوند.

نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم (بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارتباطات عاطفی خانوادگی جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد) با نتایج تحقیقات لی و بونک (۲۰۱۶)، بونک و خو (۲۰۱۴)، خو (۲۰۱۰) و خو و کوییه (۲۰۱۱) همسو بوده است. در تبیین این یافته‌ها باید گفت که شخصیت کامل هر انسانی، در شیوه‌ی دوست داشتن وی نمایان می‌شود. رابطه با همسالان و با افراد خانواده در چرخه‌های زندگی از مادر به نزدیکان و سرانجام به گروه‌های دیگر تسریع می‌یابد و به صورت عاملی مهم در ساخت شخصیت کودک در می‌آید؛ بنابراین رابطه با اعضای خانواده و پیامدهای عاطفی آن در سرتاسر زندگی، همواره حاضر و فعال است و به این ترتیب روابط عاطفی یک فرد در سراسر زندگی به چگونگی توحید یافتگی رفتار ارتباط با خانواده در چارچوب شخصیت وی وابسته است و می‌تواند تأثیر مهمی بر تحول شخصیت داشته باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که سطوح بالای روابط با اعضای خانواده می‌تواند موجب افزایش جهت‌گیری مثبت و بادوام در روابط اجتماعی شود و این امر خود را در سطوح مختلف اجتماعی شدن نشان می‌دهد. روابط گرم و صمیمی با همسالان موجب می‌شود که افراد

احساس نزدیکی و صمیمیت بیشتری با یکدیگر داشته باشند و در امور مختلف از جمله مسائل تحصیلی از یکدیگر حمایت کنند.

در واقع استدلال این است که سرگرمی‌های مجازی عموماً به تقلیل سرمایه‌ی اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت‌های محسوس و عینی، تغییر روابط از اجتماعات و گروه‌های آشنا به اجتماعات شبکه‌ای، کاهش تعاملات اجتماعی بویژه از نوع ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضا خانواده، دوستان نزدیک و ... (مانند آنچه که در نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم آمده است)، سوگیری جوانان به سوی آموزش موزائیکی و نیز قطعه قطعه شدن افراطی سلیقه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و در نتیجه توده‌وارسازی می‌انجامد. وجه مثبت همان‌گونه که نتایج در شاخص‌های این فرضیه نشان داد می‌تواند تأییدی بر این نظریه باشد که شبکه‌های اجتماعی تا حدودی فضایی رهایی‌بخش هستند و به جوان اجازه می‌دهند که در آن واحد خالق، بازیگر، کارگردان و تهیه‌کننده و در مجموع همه‌کاره‌ی نمایش مطلوب خود باشند، همان‌گونه که استون نیز می‌گوید: «شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان رسانه‌ای در پهنای باند پائین» و در مقایسه با تعامل چهره به چهره فرصت بیشتری را برای دخیل کردن فرایندهای تفسیر، تحلیل و آرزوهای طرفین و تعامل در گفتگو فراهم می‌آورند. اگرچه نتایج فرضیه‌ی سوم و چهارم در این تحقیق بیشتر نشان از جنبه‌ی منفی این الگوپذیری دارد. در رابطه با فرضیه بین وابستگی شبکه‌های اجتماعی مجازی و افت تحصیلی و ارتباطات عاطفی خانوادگی جوانان، نشان از تأیید چارچوب نظری دارد که در پیش‌بدان پرداخته شده و نگاه جامعه‌شناختی به این مسأله به طیفی از اثرات اجتماعی، تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی بر روابط و تعلقات اجتماعی، شکل‌دهی یک معنای عمومی جدید برای ارتباط، به صورت‌های جدید مشارکت اجتماعی و بازاندیشی و تغییر در هویت‌های خودساخته تأکید دارد.

فرضیه‌ی چهارم "بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد" است که با توجه به آزمون همبستگی این

فرضیه تأیید می‌شود و نتایج آن با تحقیق بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱)، امیرپور و گریوانی (۱۳۹۲) همسوست. زیرا امروزه با گسترش کارکردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، شاهد تغییراتی چشمگیر در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها هستیم؛ تغییراتی که در نگاهی کلان، منجر به تغییر سبک زندگی انسان عصر جامعه‌ی اطلاعاتی شده است. ایجاد جوامع مجازی به عنوان آخرین دستاورد، توانسته کارکردهای گوناگون فناوری اطلاعات و ارتباطات را با زندگی اجتماعی افراد گره زند و به دو شکل منجر به تغییر سبک زندگی افراد شود: نخست اینکه افزایش ساعات استفاده از اینترنت و گشت و گذار در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، نتیجه، مستقیم ایجاد چنین جوامعی است و دیگر اینکه تغییر نحوه‌ی زندگی افراد در ارتباط با برقراری رابطه با جنس مخالف، سبک پوشش، ادبیات گفتاری و ... ناشی از تأثیرات جوامع مجازی است؛ جوامعی که به ظاهر مانند جامعه‌ی حقیقی عمل می‌کنند با این تفاوت که هویت حقیقی اعضا در نگاه اول مجهول است. اما همین هویت‌های مجهول توانسته‌اند تا اندازه‌ی زیادی بر زندگی سایر اعضا اثرگذار باشند و حتی سبک پوشش، ادبیات گفتاری و نحوه‌ی حضور دیگران در فضای مجازی را تحت تأثیر قرار دهند و از طرفی با توجه به اینکه پروفایل افراد مهم‌ترین فضای شخصی هر فرد در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی است و نحوه‌ی طراحی آن می‌تواند بیانگر زمینه‌های فرهنگی مرتبط با سبک زندگی مجازی هر کاربر باشد، نوع نوشته‌هایی که افراد برای معرفی خود در پروفایل استفاده می‌کنند در کنار شیوه‌ی انتشار عکس‌ها و تصاویر موجود در پروفایل و رنگ‌آمیزی آن، پروفایل هر فرد را به مهم‌ترین نماد فرهنگی مرتبط با وی که بیانگر سبک زندگی مجازی اوست، تبدیل کرده است.

در واقع سبک زندگی، بخشی از زندگی است که عملاً تحقق می‌یابد و دربردارنده‌ی طیف کامل فعالیت‌هایی است که افراد در زندگی روزمره‌ی خود انجام می‌دهند بنابراین طیف فعالیت‌های مختلف افراد در هر عرصه از زندگی می‌تواند سازنده‌ی سبک زندگی آنها در آن عرصه باشد. در نظریه‌ی بوردیو که در پیش بدان پرداخته شد سبک زندگی شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده‌ی فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات

شبانه‌روز، نوع تفریحات، ورزش، شیوه‌های معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن، راه رفتن و در واقع عینیت و تجسم یافته‌ی تفریحات افراد است در واقع همان‌گونه که در این تحقیق نیز نشان داده شد عضویت جوانان در شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث ایجاد سبک جدیدی از زندگی شده است. با رشد شبکه‌های اجتماعی الگوی جدیدی از زندگی به نام الگوپذیری از زندگی به نام زندگی مجازی در بین جوانان در حال شکل گرفتن است این شیوه‌ی زندگی که درآمیخته با شبکه‌های اجتماعی مجازی است، سبک جدیدی از زندگی را شکل می‌دهد که همه‌ی فعالیت‌های روزمره را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به گفته‌ی آنتونی رابینز در زندگی اجتماعی مدرن مقوله‌ی سبک زندگی اهمیت خاصی دارد در این عصر سنت معنای خود را از دست می‌دهد و در زندگی روزمره بیشتر افراد مجبور شوند تا از میان مجموعه‌ی انتخاب‌ها چیزی را گزینش کنند؛ و این در حالی است که به گمان زیمل سبک زندگی عینیت‌بخشی به ذهنیات در قالب اشکال شناخته‌شده‌ی اجتماعی است؛ نوعی بیان فردیت برتر و یکتایی در قالبی است که دیگران این یکتایی را درک کنند. این در حالی است که راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی مجازی، مبادله‌ی بی‌حد و حصر اطلاعات را فراهم کرده و روابط شخصی متقابل جوانان را به اوج رسانده است به گونه‌ای که جوانان در این شبکه‌های اجتماعی بدون نیاز به ثبت هویت حقیقی خود دیدگاهشان را منتشر می‌کنند و به سرعت از طرف دیگران بازخورد می‌گیرند. سبک زندگی امکان شکل‌گیری شیوه‌های عمل متمایز اجتماعی جوانان را مجاز می‌داند و شیوه‌های فرهنگی مشترکی را نیز که در جامعه‌ی بزرگ‌تر وجود دارد به رسمیت می‌شناسد. البته با توجه به این نکته که به گفته‌ی زیمل سبک زندگی عینی‌سازی فرهنگ ذهنی با استفاده از امکانات محیط است، در اجتماعات سنتی که نقش‌های محدود اجتماعی از یک سو تعامل با دیگر اجتماعات اندک است، این تعداد سبک‌ها منجر به تنوع و تکثیر نشده و می‌توان یک یا چند سبک زندگی مشخص را در این گونه اجتماعات باز یافت اما اگر محیط اجتماعی فرهنگ زمینه‌ای را برای تنوع فراهم کند، آنگاه جامعه‌ی صحنه‌ی بروز تکثر سبک‌های زندگی خواهد بود آن‌چنان‌که در دنیای

مدرن و در فضای مجازی شاهد آن هستیم، به گونه‌ای که تکثیر تا جایی پیش خواهد رفت که دیگر طبقه‌بندی سبک‌ها دشوار و موقعیتی فراهم می‌شود که سرتاسر زیست محیط قابل مشاهده‌ی زندگی فرهنگی ما بویژه جوانان با تکثر سبک‌ها از هم پاشیده می‌شود و ممکن است آنها خود را با بی سبکی مواجه ببینند؛ همان عارضه‌ای که زیمل آن را عارضه‌ی افراد در «ذهنی‌گرایی» می‌نامد. از سویی چگونگی سبک زندگی که امروزه شبکه‌های اجتماعی مجازی بر آن تأثیرگذارند، نشان‌دهنده‌ی هویت افراد نیز هست؛ یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجهند و نتایج این تحقیق نیز در آزمون همبستگی فرضیه نشان از تأیید این امر است به گونه‌ای که هویت اجتماعی جوانان با ورود به شبکه‌های اجتماعی مجازی دچار تغییر و تحولات عمده شده است. با توجه به نتایج آزمون همبستگی فرضیه، نتایج نشان داد متغیر شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معناداری بر هویت اجتماعی جوانان شهر اراک دارد بنابراین فرضیه تأیید می‌شود. نتایج این فرضیه با یافته‌های تحقیق مهدی‌زاده و عنبرین (۱۳۸۸) عدلی‌پور (۱۳۹۱) و تیلر (۲۰۱۲) نیز همسو بوده و حاکی از این امر است که حضور و تعامل در شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تضعیف هویت اجتماعی جوانان می‌شود.

شاید بتوان گفت اجتماعات مجازی تهدیدی برای اجتماعات واقعی بویژه برای قشر جوان است؛ در واقع در اجتماعات و شبکه‌های اجتماعی مجازی معمولاً افراد حداقل در یک چیز اشتراک دارند و آن علایق و منافع است که آنها را دور هم جمع می‌کند، این منافع که همان دسترسی به اطلاعات است هویت را می‌سازد البته هویتی که مدام در حال تغییر و ناپایدار است به گونه‌ای که هویت اجتماعی جوانان در دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را دیگر سرزمین، زبان بومی و محلی کشور، فرهنگ ملی و نژاد تعیین نمی‌کند بلکه این منافع است که آنها را را نزد هم جمع می‌کند. البته این را هم نباید نادیده گرفت که «شرایط آرمانی مورد نظر هابرماس» همان‌گونه که در چارچوب نظری مطرح شد، در محیط‌های تعاملی اینترنتی، ایمیل، وبلاگ و سایت‌های مختلف مانند چت روم و ... به خوبی تحقق می‌یابد و افراد ضمن ابراز احساسات از یکدیگر نیز

تأثیر می‌پذیرند و شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش زیادی در شکل‌گیری خود پست‌مدرن افراد دارد چرا که به دلیل ویژگی‌هایی مثل گمنامی، حذف نشانه‌های فیزیکی و ... به کاربران اجازه می‌دهد نقش‌های متفاوتی را در زمان‌های مختلف تنظیم و به دلخواه خود بازی نمایند. هویت جوانان در شبکه‌های اجتماعی مجازی در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل می‌گیرد و به نوعی بازتولید شده‌ی همان هویت اجتماعی است چرا که به گفته‌ی فوکو تعامل میان هویت‌های اجتماعی به رشد هویت‌های شخصی افراد جامعه کمک می‌کند.

اما به طور کلی از آنجایی که جوانی دوره‌ای توأم با تغییرات بسیار است، زاییده‌ی تعاملات اجتماعی جامعه و برعکس است. دوره‌ی جوانی زمانی است که انسان در آن با انرژی و یا حساسیت در برابر بازتاب‌های محیط و مسؤلیت‌پذیری فردی به دنبال کسب هویت است و در بسیاری موارد به الگوپذیری می‌پردازد؛ نتایج این تحقیق با توجه به نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و الگوپذیری جوانان شهر اراک رابطه‌ی معناداری وجود دارد و نتایج این تحقیق با تحقیقات پوری (۱۳۹۲)؛ بشیر و افراسیابی (۱۳۹۲)، وانگ و همکاران (۲۰۱۶) همسوست. الگوپذیری اگر چه در تمامی دوران‌های زندگی انسان به چشم می‌خورد اما در هر دوره‌ی سنی تحت تأثیر الگوهای خاصی قرار می‌گیرد که با ویژگی سنی آن همخوانی بیشتری دارد به طوری که الگوهایی که یک کودک یا نوجوان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد با الگوهایی که برای جوان به عنوان راهنمای عمل مطرح می‌شود تفاوت دارد و هر یک بر حسب نیاز سنی خود می‌کوشند تا به این خواسته‌ی درونی پاسخ گویند و این تحقیق نشان داد جامعه‌ی شهری اراک که به لحاظ جمعیت‌شناختی، به واسطه‌ی صنعتی بودن شهر و فرصت‌های اشتغال دارای جمعیت جوان بیشتری هستند که شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد آزمون (تلگرام و اینستاگرام) تأثیر بسیاری بر این قشر و الگوپذیری آنان در زندگی داشته است و در این جامعه‌ی شبکه‌ای همان‌گونه که کاستلز و هابرماس می‌گویند: «زمان و مکان معنای تازه‌تری به خود گرفته و اطلاعات در چارچوب انتقال

نمادها و واسطه‌های الکترونیکی شکل می‌گیرد که حاوی اطلاعات متکثر و متنوع است و با مخاطبان گوناگونی سر و کار دارد». شبکه‌های اجتماعی مجازی هویت تازه‌ای به جوانان می‌بخشد و الگوهای جدید زیست و حیات را در زمینه‌های گوناگون به وجود می‌آورد که می‌تواند جهت مثبت یا منفی داشته باشد. به گونه‌ای که برفکر و رفتار جوانان تأثیر می‌گذارد بدون آنکه آنها متوجه این موضوع باشند.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- ۱- استفاده از فضای مجازی برای تعامل با شبکه‌ی خویشاوندان و تشکیل گروه‌های خانوادگی ایمن و تشویق جوانان برای حضور در این گروه‌ها به عنوان مقدمه‌ای برای گسترش ارتباطات صمیمانه با سایر بستگان در فضای واقعی.
- ۲- مدیریت زمان استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیکی از طریق آموزش فرهنگ صحیح استفاده از امکانات جدید به جوانان و ایجاد تفاهم در زمان استفاده از این ابزارها در خانواده و اختصاص دادن زمانی برای گفتگوهای دوره‌می درباره‌ی مسائل مختلف در ساعات مشخص از روز.
- ۳- شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به دلیل نبود آگاهی و سواد کافی میان جوانان و کاربران، کارکردهای اصلی و مهم خود را به دست نیاورده استبنابر این وظیفه‌ی نخبگان و محققان اجتماعی و فرهنگی است که به کمک نشریه‌ها یا تألیف و ترجمه‌ی کتاب‌های کارآمد و به‌روز در این راه، چگونگی استفاده‌ی درست از این فضا را آموزش دهند.
- ۴- هنجارسازی‌های مثبت و ترویج فرهنگ استفاده از فضای مجازی.
- ۵- پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره‌ی مزایا و معایب شبکه‌های اجتماعی از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که عموماً جوانان آنها را الگوی خود قرار می‌دهند.
- ۶- تشویق به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و تقویت این‌گونه رفتارها توسط

والدین و گذراندن بیشتری با فرزندان در فضای بیرون از خانه به طوری که فرزندان از نظر عاطفی احساس خلأ نکنند و برای جبران این کمبود صرفاً محدود به فضای مجازی نشوند.

- ۷- نهادهای مختلف جامعه تمهیداتی در باره فرهنگ‌سازی و استفاده‌ی صحیح و مناسب از شبکه‌های اجتماعی مجازی نظیر تلگرام و اینستاگرام در بین نسل جوان بیندیشند چرا که امروزه اطلاعات و ارتباطات تعاریف جدیدی از ارتباطات اجتماعی را در بین افراد جامعه خصوصاً نسل جوان ارائه کرده است که بر جنبه‌های مختلفی از زندگی از جمله سلامت اجتماعی آنها اثرگذار است.
- ۸- با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود به منظور حضور هدفمند، فعالانه و هوشمندانه‌ی کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مجازی و به حداقل رساندن تبعات نامطلوب فعالیت در این فضا، شایسته است دوره‌های آموزشی در همه‌ی سطوح بویژه برای والدین، مربیان و جوانان در محیط‌های آموزشی، شغلی و فرهنگسراها تعریف و ارائه شود.
- ۹- تقویت هویت اجتماعی جوانان در زندگی واقعی که خود سبب تسری این هویت انسجام یافته به فضای مجازی می‌شود که کمتر تحت تأثیر این شبکه‌های مجازی قرار گیرند.

منابع

- اعلائی، محسن. بشیری، حسین. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر همبستگی اجتماعی، *مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران*، سال هفتم، شماره‌ی دوم.
- افروغ، ع. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی: الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). *جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ*، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره‌ی ۴.
- برات‌دستجردی، نگین؛ داورپناه، هدایت‌اله؛ اسماعیلی، معصومه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌ی اجتماعی فیس بوک و سلامت اجتماعی دانشجویان، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هفتم، شماره‌ی پیاپی ۶۱، شماره‌ی اول: ۱۵۶-۱۴۳.
- بشیر، حسن؛ افراسیابی، محمد صادق. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱: ۶۰-۳۱.
- پرهیزکار، الف. و همکاران. (۱۳۸۹). سهم فضای مجازی از فضای خدمات شهری تهران و تأثیر خصوصیات شهروندان در میزان استفاده از خدمات فضای مجازی، *فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی شهری*.
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۹۱). *بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی در مدرنیته در گذار*، تهران: علم.
- حمیدپور، یوسف؛ طایفه، اشرف؛ آقاپور فرکوش، مجید. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر الگوپذیری رفتار اجتماعی دختران، *پژوهشنامه‌ی علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره‌ی ۱.
- دستجردی، نگین. و صبادی، سمیه. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر اعتیاد به اینترنت و افسردگی در دانشجویان دانشگاه های پیام نور شهر اصفهان، *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۵.
- ربانی، ر. و شیر، ح. (۱۳۸۸). *اوقات فراغت جوانان در تهران: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران*، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، سال دوم، شماره‌ی ۸:

- شکاری نمین، شیدا؛ حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان، *مجله‌ی مدیریت فرهنگی*، سال هشتم، شماره‌ی بیست و ششم، صص ۶۳-۷۹.
- شکوری، ع. (۱۳۸۵). تمایزپذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف: مطالعه‌ی موردی جوانان شهر تهران، *مجله‌ی جهانی رسانه*، شماره‌ی ۲.
- شهابی، محمود؛ بیات، قدسی. (۱۳۹۱). اهداف و انگیزه‌های عضویت کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۳ (۲۰).
- صبوری خسروشاهی؛ ح. و همکاران. (۱۳۹۲). فضای مجازی و هویت جهانی: مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، دوره چهارم، شماره ۱۰.
- فیروزآبادی، ابوالحسن. (۱۳۹۴). سخنرانی در همایش شبکه‌های اجتماعی مجازی: فرصت‌ها و تهدیدها. بازیابی شده از سایت خبری تابناک، پنجم دی ماه.
- قاسم‌زاده، بهنام؛ رسول‌زاده اقدم صمد؛ رهبری‌پور، کسری. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فضاهای عمومی شهری و فضای مجازی در شکل‌گیری افکار عمومی جامعه، *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال سوم، شماره‌ی یازدهم: ۳۵-۲۱.
- کوثری، مسعود. (۱۳۸۶). *جهان فرهنگی کاربران ایرانی در شبکه دوست‌یابی اورکات*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- میرزایی، خلیل. صدیقی، صفری، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های ارتباطی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن‌ها بر روابط اجتماعی کاربران، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال دهم، شماره‌ی سی و هفتم.
- ودودی، الهه؛ دلاور، علی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در تغییر ویژگی‌های شخصیتی جوانان، *فصلنامه‌ی روان‌شناسی تربیتی*، سال یازدهم، شماره سی و پنجم.
- هاتف، م. (۱۳۸۸). چالش‌ها و چشم‌اندازهای امنیت در فضای مجازی، *دو فصلنامه‌ی توسعه‌ی علوم انسانی پلیس*، سال ششم، شماره‌ی ۲۲.
- Gulbahar, Y. Kalelioglu, F. & Madran, O. (2010). *Sosyal Agların Egitim Amacli Kullanimi* [Educational use of social networks].XV.

Turkiye de Internet Kullanimi Konferansi. Istanbul: Istanbul Teknik University.

- Isik, F. (2013). Comparison of the use of social Network in Education between North and South Cyprus. **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, Vol. 103, Pp. 210-219.

- Joinson, Adam N,(2008). **Looking at, looking up or keeping up with people Motives and use of facebook**. In: Proceedings of CHI '08. ACM, New York, NY, pp. 1027–1036, people.bath.ac.uk/aj266/pubs_pdf/1149-joinson.pdf.

- Lenhart, Amanda., & Madden, Mary, (2007). **eens, Privacy & Online Social Networks. Pew Internet & American Life Project Washington, DC**. Available:

- Lim, B. & Chou, A. (2010). **A Framework for Measuring Happiness in online Social Network**. Illinois State University.

-**Macmillan Dictionary for Students Macmillan, Pan Ltd. (1981)**, page 1155. Retrieved 2010-7-15.

- Massari, Luisa. (2010). Analysis of MySpace user profiles. **Information Systems Frontiers**, 1-7.

- Perez, C., (2014)., Socialization , uses and influence of social networks in adolescents: the role of broadcast Scheduling., **Social and Behavioral Sciences**., 132., pp: 515-521.

- Shabir, G., Yousef Hamed, Y., Safdar, G., Faroug, M., Gilani, s., (2014)., The impact of social media on Youth: A case study of Bahawalpur City., **Asia Journal of Social Sciences & Humanities**., 3(4).

- Wang, J. Jackson, L. Wang, H. & Gaskin, J. (2015). Predicting Social Networking Site use: Personality, Attitudes, Motivation and Internet Self-Efficacy. **Personality and Individual Differences**, Vol. 80, Pp. 119-124.

